

راهکارهای توزیع عادلانه‌ی ثروت برای مستمندان از منظر قرآن و سنت

پوهنیار نورالحق قیومی^۱

پوهندوی دکتور محمد اکرم حکیم^۲

چکیده

نگاه دین مبین اسلام یک نگاه کلی و فراگیر است که پیروان خود را در رابطه به امور دنیوی و اخروی تشویق و ترغیب می‌کند، مانند دیگر ادیان نیست که پیروان خود را به ترک دنیا امر کرده گوشه نشینی و رهبانیت را اختیار کنند و یا همه هم و غم شان دنیا باشد که آخرت را به بعد فراموشی بسپارند. و هم‌چنان نظام اقتصادی اسلام نه تنها عادلانه نیست بلکه فراتر از عادلانه ایثارگرانه نیز است، به این معنا که پول، ثروت و دارایی را که به دست می‌آورند در توزیع آن سهمی را برای فقراء و مستمندان نیز در نظر می‌گیرند چون در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: مومن برای مومن همانند خشت‌های تعمیری است که بعضی از آن بعضی دیگرش را محکم و استوار نگه می‌دارد.

می‌آییم در رابطه به این که چرا دیگران را در این ثروتی که به دست می‌آورند برای شان سهم قایل می‌شوند؟ زیرا که: بنی آدم اعضای یک دیگرند، که در آفرینش ز یک گوهر اند، چو عضوی به درد آورد روزگار، دیگر عضوها را نماند قرار، توکز محنت دیگران بیغمی، نشاید که نامت نهند آدمی. نظر به آیات قرآن کریم و روایات، خداوند متعال به مقتضای حکمت بالغه‌ی خود نخواسته است که سرمایه‌ی ثروتمندان تنها به دست اغنیاء باشد بلکه برای فقراء و اشخاص بی‌بضاعت نیز سهم قایل شده است و افراد مستمند را در اموال اغنیاء شریک دانسته است. و مسؤولیت‌هایی را در این زمینه به دوش ثروت‌مندان گذاشته تا اینکه همه‌ی اقشار جامعه‌ی اسلامی از نعمت‌های مادی الهی یکسان بهره‌مند شوند. و هدف دین مقدس اسلام از ایجاد تعادل و توازن نظام اقتصادی این

^۱ پوهنیار نورالحق قیومی عضو کادر علمی دیپارتمنت تعلیمات اسلامی مؤسسه تحصیلات عالی سرپل

^۲ پوهندوی دکتور محمد اکرم حکیم عضو کادر علمی دیپارتمنت ثقافت اسلامی پوهنتون جوزجان

ایمیل آدرس نویسنده: norulhaqqaiyomi@gmail.com

است که در جامعه‌ی اسلامی هیچ فقیری خود را محروم نداند، بلکه باید تمامی نیازمندی‌های مادی‌شان برآورده شود. پس برای توزیع عادلانه ثروت اغنیاء برای مستمندان راهکارهای تضمین شده را تعیین نموده که عده‌ی آن اجباری است از قبیل: ادای زکات، وجیهه‌ی قربانی، غنایم، فیه و کفارات و قانون ارث و عده‌ی هم اختیاری است از قبیل: صدقات و نذور... که یک شخص مسلمان و مؤمن باید طوعاً و کره‌اً یعنی با رضاء و رغبت کامل و برای به دست آوردن رضای الهی این راهکارها را در زندگی خود عملی نماید.

واژگان کلیدی: ثروت، توزیع، عادلانه، راهکار و اقتصاد.

مقدمه

الحمد لله رب العالمین والصلوه والسلام علی اشرف الانبیاء والمرسلین سیدنا و مولانا محمد (صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم) و علی آله و اصحابه اجمعین و بعد:

یکی از دغدغه‌های مهم بشریت از روز خلقت تا زمانی که در این سرای دنیا در قید حیات است به آن نیازمند است تأمین رفاه اقتصادی و توزیع عادلانه‌ی ثروت در میان افراد جوامع بشری است، مسأله‌ی فقر و نابرابری‌های اقتصادی یک پیشینه‌ی طولانی به درازای عمر بشر دارد که این مسأله موجب بروز مشکلات متعددی در زندگی فردی و اجتماعی شده و زمینه ساز انحرافات و مشکلات بزرگی می‌گردد و در جوامع بشری نیاز است که افراد ثروتمند در برابر مشکلات افراد مستمند و فقیر احساس تعهد و مسؤولیت نمایند و به گرفتاری‌های آنان راه حل دریافت نمایند. چون از منظر قرآن کریم و سنت نبوی مسؤولیت همه افراد مؤمن با هم برادر بوده و در حکم یک پیکر واحد می‌باشد که در میان آنها رابطه‌ی ناگسستنی انسانی، ایمانی و وجدانی برقرار است. آنجا که قرآن کریم و احادیث نبوی (صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم) دو منبع اصیل از دساتیر الهی در همه‌ی عرصه‌های زندگی بشر بوده و در پیشرفت همه امور بشری اعم از مادی و معنوی نقش به‌سزایی دارد به شرط این که ما این دو منبع را در زندگی خود عملی کنیم، پیروان خود را در خصوص امورات اقتصادی تشویق و ترغیب می‌کند از این جهت مسلمانان را به کار، تلاش، تولید ثروت، و سرمایه‌تاکید نموده است، زیرا پیشرفت اقتصادی یک جامعه وابسته به تولید سرمایه است که افراد یک جامعه اسلامی برای پیش‌برد امور زندگی‌شان به آن نیازمند هستند.

بعد از تولید ثروت حساس‌ترین چیز، جریان توزیع عادلانه ثروت و سرمایه است که می‌تواند عدالت و تعادل اقتصادی را در جامعه‌ی بشری برقرار کند، به شرط این که، این جریان بر عدالت و ایمان به الله منان استوار باشد. چنانچه که امروزه فقر و ناداری بر جوامع بشری خصوصاً در جوامع اسلامی حاکم شده قطعاً ناشی از عدم توزیع عادلانه‌ی ثروت و عدم دستگیری از بازوی مستمندان و فقیران است. اما نظام اقتصادی را که شرق و غرب برای بشریت پیشکش می‌کند در این نظام پول و سرمایه فقط و فقط به دست چند سرمایه‌دار بوده بلکه سرمایه‌دار، ثروتمند تر شده می‌رود و

غریب غریب‌تر شده می‌رود چون برای فقراء و مستمندان هیچ گونه حقی قایل نیستند و این نظام‌ها اصلاً جوابگو برای بشریت نیست. اما خداوند (جل و علی شانه) به منظور تأمین حد اقل نیازمندی‌های جوامع بشری دساتیر خاصی را در مورد توزیع ثروت صادر فرموده است اگر این دساتیر به تمامی معنا عملی گردد گلیم فقر و بیچارگی از جوامع بشری و بالخصوص از جوامع اسلامی که امروز ما دچار آن هستیم برداشته خواهد شد.

پس در این جا سعی به عمل آمده تا اینکه مقاله‌ای را زیر عنوان **(راهکارهای توزیع عادلانه‌ی ثروت برای مستمندان از منظر قرآن و سنت)** با روش کتابخانه‌ای مورد بحث و بررسی قرار دهم.

تعریف توزیع

توزیع در اصل یک کلمه عربی بوده و در زبان فارسی نیز استفاده می‌شود و به معنی تقسیم نمودن اشیاء آمده است، و در اصطلاح عبارت است از تقسیم نمودن درآمد که انسان‌ها آنرا به اساس تلاش و کوشش به دست می‌آورند، که به روش‌های مشروع و عادلانه در میان افراد فقیر و مستمند تقسیم صورت می‌گیرد. (ابراهیمی، ص ۸۱)

آقای دکتر هاد، غفاری در رساله‌ی خود تحت نام «اقتصاد در اسلام» کلمه‌ی توزیع را چنین تعریف نموده است: توزیع عبارت از جریان و دست به دست شدن ثروت‌ها و در آمدهای به دست آمده از منابع طبیعی و تقسیم آن در میان همه‌ی اقشار جامعه که عدالت و توازن اقتصادی در اجرای آن تحقق پیدا می‌کند. (هادی، ص ۲۳۳)

جایگاه و اهداف توزیع از منظر آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

نگاه قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یک نگاه کلی، فراگیر و جامع است که پیروان خود را در رابطه به امور دنیوی و اخروی تشویق می‌کند، پس توزیع ثروت در نظام اقتصادی دین مبین اسلام بر خلاف دیگر نظام‌های ادیان سماوی و غیر سماوی نه تنها این که عادلانه است بلکه فراتر از عادلانه ایثارگرانه نیز است. و معیارهای مختلف را در توزیع ثروت برای دستگیری از فقراء و مستمندان در نظر گرفته است. توزیع سرمایه‌های که به اثر سعی و تلاش خود انسان‌ها به دست می‌آید. نظام اقتصادی سوسیالیستی برابری در توزیع، و نظام سرمایه داری اقتصاد بازار را معیار توزیع می‌دانند. ولی نظام اقتصادی دین مبین اسلام که در محوریت آیات الهی و روایات نبوی شکل گرفته است، با به رسمیت شناختن تفاوت‌های که از استعداد‌های افراد نشأت می‌کند و با در نظر داشت موقعیت جغرافیایی افراد سهم هر کدام را به اندازه‌ی تلاش وی در نظر گرفته است، که تأمین کننده‌ی حد کفاف برای هر یک از افراد جوامع اسلامی باشد، توزیع ثروت و سرمایه برای افراد محروم و مستمند همواره مورد توجه خاص اسلام بوده آیات و روایات زیادی در این زمینه موجود می‌باشد که جایگاه توزیع را به عنوان یک راه‌کار مهم و اساسی برای تعادل اقتصادی

جامعه و ریشه‌کن ساختن فقر نشان می‌دهد، چنانچه خداوند جل جلاله در قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ (حشر، ۶) چیزهایی را که خداوند جل جلاله از اهالی این آبادی‌ها به پیامبرش ارمنان داشته است، متعلق به خدا، پیامبر، خویشاوندان، یتیمان، مستمندان و مسافران در راه مانده است.

این بدان جهت است که اموال تنها در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردهد خداوند جل جلاله به مقتضای حکمت بالغه‌ی خود سرمایه‌ی ثروتمندان را برای فقراء و افراد بی بضاعت تقسیم نموده و فقراء را در اموال سرمایه داران و اغنیاء شریک می‌داند، طوری که خداوند متعال می‌فرماید: وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (ذاریات، ۱۹) و در اموال و دارایی‌های شان حقی و سهمی برای بینوایان و گدایان تهی دست است) و در آیه‌ی دیگری نیز سهم سائلان و محرومان در اموال اغنیاء و ثروتمندان بیان نموده است: وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (المعارج، ۲۴-۲۵) از این جهت دین مبین اسلام با تفکیک و تشخیص منافع و مصالح همه‌ی افراد جامعه‌ی اسلامی روند توزیع ثروت و سرمایه را براه انداخته می‌باشد.

بنابراین، آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تدابیر و راه‌کارهای را برای بر طرف نمودن نیازهای مادی فقراء و مستمندان را از مکلفیت‌ها و مسؤولیت‌های نظام اسلامی، اغنیاء و ثروتمندان می‌داند، تا اینکه همه اقشار جامعه از مواهب و نعمت‌های الهی به صورت یکسان بهره‌مند شوند و دیگر هیچ جای فقر و ناتوانی در جامعه اسلامی باقی نماند است. (فراهانی فرد، ص ۱۳)

در این مورد روایات زیادی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ما رسیده است، که ایشان اصحاب خود را به انفاق فی سبیل الله و کمک برای فقراء و مستمندان تشویق می‌کردند، تا این‌که مال و دارایی نزد افراد خاص بطور انحصار و احتکار باقی نماند بلکه به دست همه باید جریان پیدا کند و همه‌ی مستمندان و فقراء از آن بهره‌مند شوند.

روایتی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که ایشان در نزد حضرت بلال رضی الله عنه تشریف آورده در نزد ایشان ظرفی از خرما را دیده سپس فرمودند: «مَا هَذَا يَا بَلَالُ؟» قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَكَ وَلِصِيفَانِكَ، قَالَ: «أَمَا تَخْشَى أَنْ يَكُونَ لَهَا بُخَارٌ مِنْ نَارٍ؟ أَنْفِقْ بِلَالُ وَلَا تَخْشَ مِنْ ذِي الْعَرْشِ إِفْلَالًا» (الطبرانی، ج ۱۰، ص ۱۵۵) پس متوجه بوری خرما شد و به وی فرمود: ای بلال این چیست؟ حضرت بلال حبشی رضی الله عنه فرمود: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم این حق شما و حق مهمانان شما است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا نمی‌ترسی که این بوری از خرما را که ذخیره نموده‌ای به بخار و شعله‌ی از آتش دوزخ تبدیل شود؟ پس فرمود: نفقه کن ای بلال از جانب صاحب عرش از ناحیه کاهش روزی نگران مباش چون در خزانه‌ی خداوند جل جلاله کمی

نمی‌آید.

احادیث زیادی دیگری نیز وجود دارد که صراحتاً بر جریان توزیع منابع طبیعی و ثروت و سرمایه و عدم ذخیره‌ای آن دلالت می‌کند، چنانچه حضرت ابو سعید خدری رضی الله عنه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اموال و ثروت را برایش ذخیره نمی‌کرد بلکه هر آنچه که داشت برای فقراء و مستمندان تقسیم می‌کردند: «أَنَّ نَاسًا مِنَ الْأَنْصَارِ، سَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَعْطَاهُمْ، ثُمَّ سَأَلُوهُ، فَأَعْطَاهُمْ، حَتَّى نَفِدَ مَا عِنْدَهُ» (البانی، ج ۱، ص ۳۴۴) گروهی از انصار از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درخواست کمک نمود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برایش عطا نمود و بعد دوباره درخواست نمود و وی برایش عطا نمود تا اینکه آنچه که در نزدش بود تمام شد. صراحتاً آیات و احادیث پیرامون زکات و صدقات و انفاق فی سبیل الله جایگاه و اهمیت توزیع عادلانه را در رشد و رفاه اقتصادی جوامع انسانی و اسلامی نشان می‌دهد.

اهداف توزیع ثروت از منظر آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

سیستم نظام اقتصادی دین مبین اسلام بر خلاف دیگر نظام‌ها، بر عدالت و برابری استوار بوده و بیشتر توجه آن بالای توزیع عادلانه‌ی ثروت در میان همه‌ی اقشار جامعه اسلامی است، زیرا با توزیع مطلوب، دامن همه کشمکش‌ها، اختلافات، فقر و نارسایی‌ها و سایر نا ملایمات اقتصادی برچیده می‌شود، و این را باید بدانیم که انفاق و دستگیری از نیازمندان در زندگی دنیوی در افزون کردن اموال و دارایی‌ها تاثیر به سزایی دارد. اگر انسان این را بداند که ثروتش با انفاق بیشتر می‌شود پیوسته در این کار خیر کوشا خواهد بود. ما اینک در این بحث از دو هدف اساسی توزیع، تعادل و توازن اقتصادی و از بین بردن فقر بگونه‌ی نمونه یادآوری نموده و در ذیل به بحث آن می‌پردازیم.

۱: تعادل و توازن اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی

از منظر آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یکی از اهداف مهم و اساسی توزیع عادلانه‌ی ثروت در میان مردم برقراری تعادل و توازن اقتصادی است، زیرا در عموم همه‌ی انسان‌ها و بالخصوص مسلمانان از لحاظ دینی و سایر حقوق باهم برادر و در سایر امور هم برابر هستند. و این نابرابری‌های اقتصادی و تفاوت فاحش با روح اسلام اصلاً سازگاری ندارد، زیرا بنابر فرموده خداوند جل جلاله در قرآن کریم مسلمانان با هم برادراند: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ... الحجرات، ۱۰) هر آینه مومنان برادرانند) و این تفاوت‌ها و نا برابری‌های اقتصادی، در میان افراد حس بدبینی، بخل، حسد هم چشمی و سایر رذایل اخلاقی را به بار آورده و مخرب بر جامعه‌ی اسلامی شمرده می‌شود. از سوی دیگر بنابر حکم آیه هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا... (البقره، ۲۹) ترجمه: (خداوند ذاتی است که تمامی آنچه که در زمین وجود دارد برای تان آفرید است) همه‌ی انسان‌ها حق استفاده از مواهب الهی را دارند؛ بنابراین، قرار گرفتن ثروت در انحصار عده‌ی خاصی از افراد، و در

مقابل محرومیت اکثر مردم نه با تعالیم اخلاقی اسلام سازگاری دارد و نه با مقام جانشینی انسان مناسبت دارد. جامعه‌ی اسلامی مکلفیت دارد تا با عملی نمودن تمام تعالیم و دساتیر اسلام پیرامون مالکیت منابع طبیعی و مواد اولیه و کنترل درآمدهای تولیدی حلال کسب منفعت از راه‌های غیر مشروع را مسدود نموده، و با مدیریت و کنترل مواد تولیدی و توزیع مجدد آن برای افراد ناتوان و فقیر، جلو تمام نابسامانی‌ها و تفاوت‌های غیر عادلانه را گرفته جوامع اسلامی را به سوی تعادل و توازن اقتصادی سوق دهد. چنانچه در روایتی حضرت علی رضی الله عنه فرموده است: «العدل قوام الرعیه و جمال الولاه» (آمدی، ج ۱، ص ۱۸۳) عدالت اقتصادی مایه استحکام حیات اقتصادی مردم و زینت حاکمان است. و در روایت دیگر فرموده است: بالعدل تصلح الرعیه» (ج ۱، ص ۱۸۳) به سبب عدالت برکت‌ها افزایش می‌یابد. مقصد از توازن و تعادل اقتصادی این است که تمام افراد جامعه‌ی اسلامی از لحاظ سطح زندگی و بهره‌مندی از نعمت‌های مادی در یک سطح قرار گرفته و هیچ نوع نابرابری، اختلاف شدید و خلای طبقاتی وجود نداشته باشد. بلکه همگان هم‌سان زندگی نمایند (غفاری، ص ۶۲)

این را هم نباید فراموش کرد که انسان‌ها از نظر توانایی بدنی از همدیگر متفاوت هستند، برخی از آنها به سبب داشتن قوت بالاتر بیشتر کار می‌کنند ثروت و سرمایه بیشتر بدست می‌آورند، اما برخی دیگر از آنها بنابر ضعف و کمزوری شان کمتر کار می‌کنند، از این جهت سرمایه افراد یک جامعه یکسان نمی‌باشد بلکه از هم متفاوت اند، از این رو اسلام برخی از تفاوت‌ها را می‌پذیرد اما در صدد تأمین نیازمندی‌های عامه‌ی مردم و کسانی که بهره‌مندی شان از نعمت‌ها کمتر از حد کفاف است با راه‌کارهای عادلانه که رنگ و بوی اسلامی را به خود می‌گیرد می‌پردازد، و تفاوت‌های فاحش از طریق توزیع عادلانه ثروت‌ها از بین خواهد رفت.

هدف دین مبین اسلام از ایجاد تعادل و توازن اقتصادی این است که در جامعه‌ی اسلامی هر شخص فقیر و محروم حق دارد که سیر باشد و تمامی نیازمندی‌های مادی‌اش تأمین شود، دارای مسکن باشد، مریضی جسمی‌اش را بتواند مداوی نماید، و دیگر هیچ مشکل اقتصادی دامنگیر فقراء نشود، همان طوری که خداوند جل جلاله از تعادل اقتصادی جامعه‌ی نخستین اسلامی و بهترین شخصیت‌های آن زمان حضرت علی رضی الله عنه و فاطمه رضی الله عنها را به عنوان الگویی از ایمان و ایثار و انفاق برای رفع گرسنگی فقیران و محرومان یاد می‌کند: يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ (انسان، ۸) و خوراک را با این که دوستش دارند به بینوا و یتیم و اسیر می‌دهند. در جامعه‌ی اسلامی همه‌ی افراد حق زیستن و حق استفاده از تمام امکانات که از منابع طبیعی را دارند و دولت اسلامی مکلف است تمام حقوق و نیازمندی‌های افراد فقیر و مستضعف را تأمین کند، حتی این امر از طریق کم کردن ثروت سرمایه داران باشد باید انجام شود. (قائمی، ص ۱۴۴) هدف از توزیع همین است که ثروت و سرمایه از طریق جمع‌آوری مالیات شرعی

از اغنیاء جمع آوری و به فقیران تقسیم شود، این جاست که تعادل و توازن اقتصادی در جامعه برقرار خواهد شد.

۲: ریشه کنی فقر از جامعه اسلامی

یکی دیگر از اهداف توزیع عادلانه‌ی ثروت در سیستم نظام اقتصادی دین مبین اسلام از بین بردن فقر و ناداری از قلمرو جامعه‌ی اسلامی است، به خاطر این که پدیده فقر، از خطرناک‌ترین پدیده‌های زندگی بشریت است، که بسیاری از انسان‌ها در برابر آن دست و پنجه نرم می‌کنند، و تاثیرات زیان‌باری را بر فرد و اجتماع وارد می‌کند. چنانچه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مهربانی فرموده است: «كَأَدَّ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (بی‌هقی ج ۹، ص ۱۲) ترجمه: قریب است که فقر و ناداری انسان را به کفر برساند. خطرناک‌ترین انگیزه‌ی که روح فرد و اجتماع را تهدید می‌نماید فقر است؛ زیرا انسان منحیث موجود مادی و روحی به مجموعه‌ی خواست‌های مادی، معنوی، اخلاقی و روحی خویش نیاز دارد. و از آنجایی که نیازمندی‌های انسان فوق العاده محسوس می‌شود، از این رو انسان‌ها قبل از توجه به ابعاد معنوی و اخلاقی که شامل خواست‌های روحی ایشان می‌شود بیشتر به احتیاجات مادی خود نگران می‌گردند. اما این نگرانی‌های بشریت زاده‌ای سه عامل اصلی می‌باشد.

۱: نفس انسان و شیطان.

۲: عدم دسترسی به خدمات، وسایل رفاه و معیشت زندگی بشر.

۳: مداخله‌ی سیاسی، استخباراتی و نظامی کشورهای مستکبر و استعمارگر.

عامل اول: نفس که بصورت غیر مرئی در انسان‌ها وجود دارد که منشا آن به فطرت نفس بر می‌گردد. هیچ‌کسی به جز حضرات پیامبران الهی و انسان‌های پرهیزگار این خلق و خوی طبیعی را مهار کرده نه توانسته است. و هم‌چنان شیطان نیز به عنوان یک موجود غیر مرئی آدمی را به حربه ترس از فقر همیشه از پرستش خدا و خدمت خلق الله و تلاش در راه تأمین معیشت حلال و مبارزه در راه دین، آزادی استقلال، شرف و عزت تهدید می‌کند. چنانچه خداوند جل جلاله می‌فرماید: الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره، ۲۸۶) ترجمه: شیطان شما را وعده‌ی به فقر می‌دهد و شما را به زشتی فرمان می‌دهد، و خداوند به شما نوید آمرزش می‌دهد و خداوند جل جلاله گشایش‌گر دانا است. در این آیه مقصد از وعده ترسانیدن از فقر است، اما مفاهیم وعده به رحمت و مغفرت پیام بخش امید به بهبودی مادی و معنوی از جانب خداوند جل جلاله می‌باشد.

عامل دوم- عامل عینی و ملموس است کمبود واقعی خدمات و وسائل رفاه به شمار می‌آید که به اثر عوامل گوناگون طبیعی و سیاسی برانسان‌ها تحمیل می‌گردند.

عامل سوم - چنانچه مشاهده می‌شود عامل اصلی فقر امروز در جوامع بشری و خصوصاً در جامعه‌ی اسلامی بیشتر زاده‌ی عوامل استخباراتی، سیاسی و نظامی می‌باشد که قدرت‌ها و دولت‌های مستکبر آن را بر ملیت‌های فقیر دنیا و خصوصاً کشورهای ضعیف و مستعمره تحمیل می‌کنند. (راشد، ص ۷۵)

پس در قدم اول: یگانه راه، حل و راهکار برای نابودی فقر و حاکم شدن برابری در میان امت اسلامی، احیای روحیه‌ی قناعت و عدم حرص ورزی بیش از حد به مادیات دنیا، و متکی به مقدرات الهی و مبارزه با امیال و آرزوهای بیجای نفس است، که باید این بعد غیر ضروری نفس مهار شود و بر انسان غلبه نکند.

در قدم دوم: تلاش هرچه بیشتر در عرصه‌ی خدمات رفاهی انسان‌ها صورت گیرد، و بعداً همه‌ی این امکانات به صورت عادلانه در میان افراد فقیر جامعه تقسیم شود، که این یکی از راهکارهای است که اسلام آن را در نظر گرفته است.

در قدم سوم: قطع نمودن دست مستکبران جهانی که مانع تقسیم ثروت و درآمد‌های عادلانه ثروت در جامعه می‌شوند.

راهکارهای توزیع عادلانه‌ی توزیع ثروت از منظر آیات و روایات

در قدم اول: دین مبین اسلام در قسمت تولید قبل از توزیع، ثروت‌های طبیعی را در بین مردم به اساس ملاک‌های که در فقه اسلامی بیان شده است، به گونه‌ی توزیع می‌کند که از انحصار ثروت‌های طبیعی در میان ثروت‌مندان به شکل مالکیت خصوصی جلوگیری نماید. چنانچه خداوند جل جلاله غنایم و اموال بدون مالک را از آن خداوند جل جلاله و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم می‌داند.

در قدم دوم: در عرصه‌ی بعد از تولید، توزیع ثروت‌های اکتسابی مردم را نیز بر افراد جامعه به شکلی فرمان می‌دهد که چاره‌ی تمام نابسامانی‌های اقتصادی را در جامعه حل نماید. تا همگی به صورت عادلانه از این ثروت‌ها بهره‌مند گردند. آیات قرآن و روایات فراوانی در زمینه‌های توزیع ثروت وارد شده است، که در واقع راهکاری را ترسیم نموده است که با عملی نمودن آن مشکلات فقر و ناداری از میان مردم رخت سفر می‌بندد، و آن عبارت از راهکارهای مشروع توزیع ثروت، موانع توزیع ثروت است.

راهکارهای قرآن کریم و روایات برای توزیع عادلانه‌ی ثروت و سرمایه

حضرت اقدس جل جلاله راهکارهای مشروع ثروت و درآمد‌های طبیعی را در قالب تعالیم قرآنی و روایی تنظیم نموده است، زیرا قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دو منبع از هدایات و دساتیر ارزشمند در تمام عرصه‌های زندگی بشری است که راهکارهای را در قالب عبادت‌های مالی، از قبیل پرداخت زکات، انفال، فئ، غنایم، صدقات واجب، نذر و قانون ارث، در توزیع ثروت در نظر گرفته است. که در ذیل ما هر یکی از این امور را به تحلیل و بررسی می‌گیریم.

زکات

واژه‌ی زکات در قرآن کریم تقریباً ۳۲ مرتبه ذکر شده است و همچنان زکات چهارمین بنای دین مبین اسلام است و زکات وسیع‌ترین عملیه‌ی توزیع نقد و جنس دارایی‌های مسلمانان اعم از طلا، نقره، پول، حیوانات و محصولات زراعتی است که به طبقات مستضعف مردم به گونه‌ی دوامدار به عنوان حق آنها باید تقسیم گردد. چنانچه خداوند جل جلاله به این امر اشاره فرموده است: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ الْمَعَارِجِ، ۲۴ ترجمه: کسانی که در مال‌های شان حقی معین برای گدا و محروم است) این آیه و سائر آیت‌های دیگر زکات و صدقات را حق سائل و محروم می‌داند نه احسان کسی بر آنها. حقی که از جانب خداوند جل جلاله بر ایشان تثبیت شده و یا خود در بخش صدقات چنین حقی را به سائل و محروم جدا می‌سازند و آن را به عنوان وجیبه‌ی خویش به آنها می‌دهند. زیرا سائل و محروم کسانی اند که در اثر استثمار استثمارگران و یا ظلم ظالمان و سرانجام به واسطه‌ی استثمار استثمارگران از حقوق طبیعی و مدنی شان محروم نگه داشته شده‌اند. البته این را باید بدانیم که انفاق قبل از درخواست سائل باشد فلهدا حقوق اینها در دارایی همه‌ی جامعه ثابت است که باید به ایشان پرداخته شود.

زکات در دین مقدس اسلام از جمله‌ی اموال ضعفا و محرومین حساب می‌شود که باید بدون کدام منت گذاری و اذیت به مستحقین توزیع گردد و تا زمانیکه مسلمان از دارایی‌های خود زکات ندهد دارایی‌اش خلط با حرام تلقی می‌گردد. از همین جهت خداوند جل جلاله گرفتن زکات را بالاجبار دستور می‌دهد که دولت اسلامی از صاحبان مال آنرا بگیرد و به مستحقین‌اش توزیع نماید تا حرامی در مال و پول ایشان باقی نماند. حضرت اقدس الهی می‌فرماید: خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (توبه، ۱۰۳) ترجمه: از اموال آنان زکات بگیر تا آنان را با آن پاک‌داری و رشدشان دهی، برای آنان دعا بخیر کن، بدون شک دعای تو برای آنان مایه‌ی آرامش است و خداوند جل جلاله ذات شنوا دانا است). زکات عمده‌ترین بخش توزیع در نظام اقتصادی است که اگر واقعا توسط دولت اسلامی به گونه‌ی کامل جمع‌آوری گردیده عادلانه برای مستمندان و فقراء توزیع شود، مشکلات فقر اجتماعی را کلاً و یا نسبتاً حل می‌نماید. مثلاً اگر در یک کشور ده میلیون نفر صاحب نصاب زکات باشند بیست میلیون انسان دیگر را می‌توانند تحت پوشش اقتصادی متوسط قرار دهند. و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز پرداخت زکات را یکی از ارکان مهم و بنای اسلام دانسته است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ، شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ الْبَيْتِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ» (قشیری ج ۱، ص، ۴۵) ترجمه: اسلام بر پنج بنا استوار است، گواهی دادن به وحدانیت خداوند جل جلاله و گواهی دادن به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و اقامه‌ی نماز و پرداختن زکات و بجا آوردن روزه‌ی ماه مبارک رمضان و انجام فریضه‌ی حج است.

روایات دیگری نیز وجود دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به پرداخت زکات به مستحقین آن تأکید نموده اند، از جمله هشت مورد که زکات بر آنها تعلق می‌گیرد از جانب خداوند جل جلاله مشخص شده است که عبارت اند از: فقرا، مساکین، عاملین زکات، مولفه القلوب، آزادی بردگان، قرض داران، مسافری در راه خداوند و مسافران نیازمند. هرگاه دقت شود مشاهده می‌شود که اکثریت جامعه‌ی انسانی را فقراء مساکین، قرضداران، مؤلفه القلوب، مسافران و غلامان ملت‌های بی دفاع جهان تشکیل می‌دهد که با پرداخت زکات به ایشان می‌توان مشکلات مادی ایشان را به حد اقل کاهش داده و رفاه اقتصادی آنان را تأمین نمود که مسؤلیت هر یک از مسلمانان اند و نیز قابل یادآوری است که مولفه القلوب منسوخ شده است و از جمله مستحقین زکات نمی‌باشد.

وجیبه‌ی قربانی

یکی دیگر از جریان توزیع عادلانه‌ی ثروت در قرآن کریم وجیبه‌ی قربانی در مراسم ایام حج است. قربانی میلیون‌ها حیوانات و مواشی در موسم حج در مکه مکرمه و در همچنان در سائر کشورهای اسلامی و توزیع گوشت آنها برای مستحقین در سراسر جهان اسلام آمار دقیقی است که معادل میلیاردها دالر از این طریق در میان مردم توزیع می‌شود و قسمت اندکی از نیازمندی‌های افراد فقیر و مستمندان را مرفوع می‌سازد. به گونه‌ی مثال اگر فرض شود از میان دو میلیارد مسلمان امروز حد اقل پنجصد میلیون آن در مراسم حج یک، یک رأس گوسفند را در ایام حج ذبح و توزیع نمایند پنجصد میلیون گوسفند در میان امت‌ها توزیع می‌گردد. اگر قیمت هرگوسفند را یک صد و پنجاه دالر تخمین نمائیم قیمت مجموعی آن (هفتاد و پنج میلیارد) دالر می‌شود که از این طریق هم مشکلات زیادی مسلمانان حل می‌شود.

حضرت اقدس الهی جل جلاله در این زمینه چنین مهربانی فرموده است: وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ، لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فُكِّلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (الحج، ۲۷-۲۸) و در (میان) مردم به حج ندا در آور، آنرا صدا کن تا پیاده و سوار بر هر شتر لاغری که از هر راه دور ره سپارند به سوی تو بیایند، تا شاهد منافع خود باشند، و در روزهای معین نام خدا را بر چهارپایانی ببرند که خداوند جل جلاله روزی شان کرده است. پس، از آن بخورید، بینویان و مستمندان را نیز بخورانید. این دستور لطف بی نهایت خدای مهربان را در مورد همه بندگان محروم خویش می‌رساند تا ریشه‌ی فقر و ناداری را در جامعه از راه دین و اخلاق بخشکاند و دیگر فقری در جامعه باقی نماند. (راشد، ص ۸۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز کسانی را که توانایی قربانی را دارند و قربانی نمی‌کنند هشدار شدید می‌دهد که در جمع ما حاضر نشود. « مَنْ وَجَدَ سَعَةً فَلَمْ يَضَحْ فَلَا يَقْرَبَنَّ مَصَلَاتَنَا » (احمد بن حنبل، ج ۸، ص ۲۶۱). شخصیکه که توانایی قربانی را دارد ولی قربانی نمی‌کند پس در جمع ما در صف حاضر نشود. آیات و روایات پیرامون قربانی بیانگر حقیقت

توزیع و تقسیم اموال است که از این طریق اموال و یا اطعام در میان فقیران و درماندگان جامعه توزیع می‌گردد.

نظام ارث

یکی دیگر از راهکارهای مشروع توزیع ثروت که قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم برای بهبود وضعیت اقتصادی جامعه و توزیع ثروت و سرمایه به منظور جلوگیری از تمرکز سرمایه و ثروت در دست افراد و توزیع آن در جامعه پیش بینی و وضع نموده قانون ارث است. توزیع ثروت‌ها در جامعه بر مبنای قوانین ارث، ثروت را از کف یک فرد کشیده و به چندین اشخاص دیگر که هر کدام تکفل خانواده‌ای را بر عهده دارد بر اساس قرب و بعد نسبی آنها با متوفی توزیع می‌نماید. خداوند جل جلاله طوری که به زندگان دستور مشخصی صادر نموده و آنها را به انفاق و صدقه و غیره همکاری‌های اقتصادی به هم‌نوعان تشویق می‌فرماید، هم‌چنان در مورد دارایی‌های به میراث مانده‌ی آنها نیز قوانینی وضع نموده تا همچون ثروت‌ها به شکل خاص به عده‌ی از مستحقین انتقال یابد. البته توزیع میراث پس از ادای وصیت و یا دین متوفی چه مرد باشد چه زن صورت می‌گیرد. و آیه قرآن کریم دال بر توزیع ثروت‌ها چه به شکل وصیت و دین و چه به قسم میراث است. *مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ (النساء، ۱۲)* بعد از وصیتی که وصیت نموده اید و بعد از ادای دین قابل دقت است که وصیت خود میت در زمان حیات وی نیز بخش دیگری از نظام توزیع در اسلام را عملی می‌نماید، چه با وصیت میت مقداری از دارایی وی به کسانی توزیع می‌شود که او آنها را مستحق تشخیص کرده باشد، متباقی دارایی‌اش بر اساس علم میراث که بخشی از فقه اسلامی است بین وارث تقسیم می‌گردد. خداوند جل جلاله میراث را نه تنها برای وارثین بلکه برای سائر حاجت‌مندان که با طمع و امید در زمان تقسیم ارث حاضر می‌شوند نیز تجویز می‌فرماید: *وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (النساء، ۸)* و هرگاه خویشاوندان و یتیمان در تقسیم ارث حاضر شدند، چیزی از آن را به ایشان ارزانی دارید و با آنان سخن پسندیده گویند. از این رو نظام ارث در دین مقدس اسلام ابزاری است برای تعدیل ثروت؛ زیرا معمولاً اشخاص سرمایه دار با اقدام به اعطای تمام حقوق واجب مالی با آن هم‌دارایی فراوانی را به دست می‌آورند که به وسیله مرگ آنها تمام اموال شان بین پسران و وارثان آنها توزیع و تقسیم می‌شود که این خود نوعی تعدیل ثروت شمرده می‌شود. اگر این اموال ایشان بعد از مرگ شان به فرزند بزرگ یا صاحب مال قبل از فرا رسیدن مرگش مال خود را به شخص دیگری منتقل کرده باشد، در این صورت تعدیل و توزیع ثروت تحقق نمی‌یافت، حال آنکه اسلام حصه‌ی مرد را دو چند حصه‌ی زن در نظر گرفته است و این، بیانگر دقت اسلام بر اجرای عدالت اجتماعی است. (حسینی، پژوهشگاه حوزه دانشگاه مبانی اقتصاد اسلامی ص ۴۷۲)

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز به گذاشتن مال بعد از خود به ورثه زیاد تأکید نموده

اند چنانچه به حضرت سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه که در بستر مریضی قرار داشت و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسید که من مال دار هستم و به جز یک دختر دیگر ورثه‌ای ندارم آیا تمام مال ام را وصیت کرده می‌توانم؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جواب فرمود نخیر بعد فرمود دوثلث مالم را؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود نخیر، پس من فرمودم نصف مالم را، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود نخیر، فرمودم ثلث مالم را، پیامبر فرمود: «وَالثَّلْثُ كَثِيرٌ، إِنَّكَ أَنْ تَذَرَ (وفی روایتی: تَدَعْ) وَرَثَتَكَ أَغْنِيَاءَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَذَرَهُمْ عَالَةً يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ» البانی، ج ۱، ص ۳۷۹) ثلث مال زیاد است اگر تو ورثه ات را ثروتمند بگزاری بهتر است از اینکه فقیر و مسکین باشد و دستش بسوی مردم دراز باشد. بنابر این از آیات و روایات دانسته شد که گذاشتن مال بعد از خود برای دیگران خود نوعی از زمینه‌های توزیع ثروت در اسلام به حساب می‌آید که در واقع رفاه اقتصادی مسلمانان را تأمین می‌کند.

صدقات

یکی از زمینه‌های توزیع ثروت در دین مقدس اسلام ادای صدقات است، البته ادای آن به صورت اجباری نیست، بلکه وجبیهی اخلاقی است و آن را هر مسلمان باید با رضایت کامل به خاطر به دست آوردن خوشنودی خداوند جل جلاله و خدمت اجتماع از هر چه در توان دارد بپردازد. بدین معنا که خداوند حکیم جل جلاله پرداخت صدقات را تشویقاً به مؤمنین هدایت می‌فرماید. حکمت این تشویقات الهی رسانیدن امت اسلامی به رشد روحی از راه اخلاص و علاقه‌مندی به خوشنودی خداوند جل جلاله در جریان ادای صدقات است تا هر مسلمان داو طلبانه هر قدر که می‌تواند به هر کس در هر جا و هر وقت مساعدت ایمانی و اخلاقی بنماید. به بیان دیگر مقدار زکات تعیین شده است و اندازه‌ی صدقات نامحدود است گسترش روحیه‌ی خدمت‌گذاری مالی از طریق صدقات بخش بزرگی از ثروت‌های مادی را در میان افراد جامعه به توزیع می‌رساند. آیات متعددی در قرآن کریم مبنی بر ایفای صدقات وارد است، از جمله: *إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ* (فاطر، ۲۹) در حقیقت کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روزی داده ایم، به صورت نهانی و آشکارا انفاق می‌کنند، امید به تجارتی بسته اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد.

این فرموده الهی توزیع صدقه را به طور سری و علنی از صفات کسانی می‌خواند که قرآن را بر مبنای ایمان تلاوت می‌کنند، نماز را به درستی ادا می‌نمایند و صدقات را به عنوان تجارت کساد ناپذیر با خدا انجام می‌دهند که همیشه از آن سود می‌برند. روش ادا و توزیع صدقات بدون اذیت و گذاشتن منت بر کسی با پاداش عظیم از جانب خداوند جل جلاله در دنیا و آخرت همراه است. بزرگترین عواملی که انسان را در دنیا بسیار تهدید می‌کند دو چیز است خوف و حزن خدای متعال جل جلاله ترس و غم را نیز از صدقه دهندگان زایل می‌سازد. زیرا برعکس دادن صدقه توأم با اذیت

کردن و منت گذاری بر جانب مقابل را خداوند جل جلاله عمل نکوهیده دانسته با مثال‌های زیبایی در آیات قرآنی رد می‌فرماید: **الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدْنَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ** (البقره، ۲۶۲) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس در پی آنچه انفاق کرده اند، منت و آزاری را روا نمی‌دارند، پاداش آنان برای‌شان نزد پروردگارشان محفوظ است و بیمی بر آنان نیست و اندوه‌گین نمی‌شوند.

دادن صدقه تنها بر ثروت‌مندان نیست بلکه هر یک از مسلمانان که کمترین چیزی اضافه از نیاز در دست دارند و می‌توانند آنرا به فرد محتاج تر از خود کمک نمایند از جانب خداوند جل جلاله به عنوان ایثارگری و فدا کاری مورد تحسین و تقدیر قرار می‌گیرند: **وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنًا فَلْيُتَّقِ اللَّهَ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** (حشر، ۹) و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دل‌های شان حسدی نمی‌یابند؛ هر چند خودشان احتیاج شدید داشته باشند، آنها را بر خود شان مقدم می‌دارند. و هر کس از حرص نفس خود مصئون ماند، ایشانند که رستگاراند. این بدین معنا است که اگر کسی توان انفاق یک پارچه نان هم داشته باشد باید همان پارچه را به نزدیک ترین دوست خود اهدا کند تا جلو فقر و تنگدستی جامعه را بگیرد. وقتی هر فرد جامعه به اندازه‌ی توان خود مصدر چنین خیر به جامعه‌ی اسلامی خویش گردد یقیناً احتیاجات ملیون‌ها هم نوع خود را می‌تواند تامین نماید. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز فرموده است: **«أَمَرْتُ أَنْ أُخِذَ الصَّدَقَةُ مِنْ أَغْنِيَائِكُمْ، فَأَرَدَهَا عَلَىٰ فُقَرَائِكُمْ»** (ترمذی، ج ۵، ص ۲۳۴) به من دستور داده شده است که صدقات را اغنیاء جمع‌آوری نموده و به فقیران توزیع نمایم. از صراحت آیات و روایات متذکره دانسته می‌شود که؛ پرداختن صدقات به مستحقین آن نیز یکی از زمینه‌های توزیع‌داری است که دین مبین اسلام به آن اهمیت قایل شده است.

انفال

یکی دیگر از زمینه‌های توزیع سرمایه برای افراد فقیر و مستمند توزیع انفال می‌باشد، که در برآورده ساختن مخارج دولت نقش قابل ملاحظه داشته، انفال جمع نفل بوده به معنای چیزی اضافه است و در اصطلاح عبارت از مالی است که به خداوند جل جلاله و پیامبرش و امیر مسلمانان اختصاص دارد و به این خاطر آن انفال گفته می‌شود که علاوه بر خمس در آن فقراء و مساکین، مسافران و سائر افراد ناتوان جامعه شریک اند، حضرت اقدس الهی جل جلاله این اموال را به خودش و پیامبرش متعلق دانسته و چنین می‌فرماید: **يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** (انفال، ۱) ای پیامبر از تو درباره‌ی انفال می‌پرسند. بگو غنایم و اموال بدون مالک اختصاص به خدا و فرستاده‌ی او دارد. پس از خدا بترسید و با یکدیگر سازش نمایید، و اگر ایمان دارید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید) انفال مالکیت بر همه اموال و منابع طبیعی چون اراضی بدون مالک و معادن را به عنوان مالکیت دولتی نیز شامل

می‌گردد و هیچ کس حق ندارد که این منابع را به صورت خصوصی از آن خود سازد. تقسیم منابع طبیعی میان مردم جهت استفاده از محصولات آن در مقابل کار از جانب دولت اسلامی به نیابت از خداوند جل جلاله و رسولش صورت می‌گیرد. قابل یادآوری است که مالکیت خداوند جل جلاله پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و امیر مسلمانان مالکیت شخصی نیست بلکه مالکیت آنها بر انفال و سائر منابع طبیعی به معنای حاکمیت، ولایت و سرپرستی آنها است، که تمام اختیارات و صلاحیت امور جامعه را به عهده دارند و می‌توانند اموال بدون مالک را در جاهای مناسب به مصرف رسانند. (راشد، ص ۱۳۶)

انفال در قرآن کریم به موارد زیادی اطلاق می‌شود که قرآن کریم در چند جای از موارد آن به لفظ غنیمت و فی نیز یاد آور شده است، و لفظ انفال عام است و یک انعام است که خداوند جل جلاله در اختیار پیامبرش و امیر مسلمانان گذاشته است تا به وسیله آن برخی از افراد را مورد تشویق و تقدیر قرار دهد، ولی غنیمت و فی خاص است که ما اینک هر دو را در این بحث مورد بررسی قرار می‌دهیم.

غنایم

یکی دیگر از راهکارهای توزیع عادلانه‌ی ثروت برای مستمندان عبارت از غنایم است که غنایم عبارت از مال و یا سرزمینی است که مجاهدین دولت اسلامی آن را از کفار محارب در مقابل جنگ و غلبه بدست آورده باشند، قرآن کریم غنایم را که مسلمانان آنرا در جریان جهاد فی سبیل الله از کفار محارب و متجاوز، به قیمت مجاهدت و خون برخی از آنها بدست می‌آورند نیز مورد توزیع قرار می‌دهد: *وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ* (توبه، ۴) ترجمه: و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم حصه‌ی آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و مسافران است. شایان ذکر است که قانون الهی در مورد این اموال صادره شده در زمان پیامبران پیشین چنین بود که کسی حق استفاده از آن را نداشته، بلکه این‌گونه اموال، جمع‌آوری شده و در میدان وسیع گذاشته می‌شد، که یک جرعه‌ی برق از آسمان می‌آمد و آن‌ها را می‌سوزاند. و این سوختن علایم پذیرفته شدن آن چیز بود. و بهره‌مندی از مال غنیمت یکی از ویژگی‌های امت حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم است که دیگر امت‌ها دارای این امتیاز نبودند. چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در حدیثی فرموده است: *«أَحَلَّتْ لِي الْغَنَائِمُ، وَلَكُم تَحِلُّ لِنَبِيِّ قَبْلِي»* (بغوی، ج ۱۱، ص ۹۴) برای امت‌های من استفاده از مال غنیمت جایز گردانیده شده است در حالیکه برای انبیاء و امت‌های قبلی جایز نبود. بنابر این، پنجم حصه مال غنیمت نیز مربوط دولت اسلامی بوده و باید در جامعه برای افراد مسکین، فقیر و ایتام توزیع نماید. (عثمانی، ج ۶، ص ۱۰۱)

فی

یکی دیگر از راهکارهای توزیع عادلانه‌ی ثروت برای مستمندان فی است که کلمه فی در لغت به

معنای برگشت است، یعنی غنیمت‌های که بدون جنگ بدست مسلمین برسد، و یا سرزمین را که کفار بدون جنگ و خون ریزی به دولت اسلامی واگذارند شود. اینها هم از آن دولت اسلامی شناخته شده و قابل توزیع به اکثریت نیازمندان اند. چنانچه خداوند جل جلاله می‌فرماید: مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَنْبِئِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ (حشر، ۷) ترجمه: چیزهایی را که خداوند جل جلاله از اهالی این آبادیها به پیامبرش ارمغان داشته است، متعلق به خدا، پیامبر و خویشاوندان پیامبر و یتیمان و مستمندان و مسافران در راه مانده می‌باشد، این بدان خاطر است که اموال تنها در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد و نیازمندان از آن محروم نگردند. توزیع ثروت میان گروه‌های نیازمند جامعه و عدم تراکم ثروت که وسیله‌ی تفاخر و استثمارگری ثروتمندان می‌شود موضوع نهایی این آیه‌ی کریمه است، یعنی اسلام مخالف تراکم سرمایه بدست یک طبقه‌ی خاص است. بناءً خداوند حکم می‌کند تا فئ نیز به مستحقان درجه یک آن مورد انقسام قرار گیرد. نخستین زمینی که در ملکیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم درآمد، سرزمینی بود از یکی از دانشمندان یهود، که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم وصیت کرد که بنابر مصلحت خویش می‌تواند در آن تصرف نماید. و اولین زمینی که به عنوان انفال و فی در اختیار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درآمد سرزمین یهود بنی نظیر بود که در نتیجه‌ی نقض پیمان از آن منصرف شدند و حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آن را برای مهاجرین تقسیم نموده است. (غفاری، ص ۶۷).

کفارات

یکی دیگر از توزیع عادلانه‌ی ثروت برای مردم کفارات می‌باشد، از قبیل کفاره‌ی سوگند،ظهار و قتل خطا ... نیز یکی از مصادیق زنده‌ی توزیع سرمایه و ثروت‌های مادی است، که خداوند جل جلاله بدین وسیله هم آمار سوگندهای بیجا و قتل و ظهار را در اجتماع کاهش می‌دهد، و از سوی دیگر با توزیع سرمایه‌های مادی مسلمانان عوامل و زمینه‌های رشد فقر، بی‌عدالتی و جامعه‌ی طبقاتی را از بین می‌برد که این خود بهترین راهکار برای بوجود آمدن تعادل و توازن اقتصادی در جامعه است. در قدم اول: کفاره‌ی سوگند (قسم) شکنی نیز یکی از مصادیق توزیع ثروت است که خداوند جل جلاله حقوق الله را در بدل این کفاره برای بندگان فقیر، مسکین و اسیر خود برای گنهگاران می‌بخشد. به این کثرت سوگندهای ناحق و غیر مسئولانه که در جامعه‌ی امروزی مروج است اگر هر حانث کفاره‌ی سوگند خود را به تمامی معنا ادا نماید بدون شک مشکل اقتصادی صدها هزار انسان فقیر و محروم که در قید فقر و محرومیت قرار دارند حل خواهد شد. خداوند حکیم می‌فرماید: لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تَطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (المائدة،

۸۹) خداوند جل جلاله شما را بخاطر سوگندهای بیهوده و خالی از اراده‌ی مؤاخذه نمی‌کند؛ ولی در برابر سوگندهای که از روی اراده‌ی محکم کرده اید، مؤاخذه می‌نماید. کفاره‌ی این نوع سوگندها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهای معمولی است که به خانواده‌ی خود می‌دهید یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر، و یا آزاد کردن یک برده، و کسی که هیچ‌کدام از این‌ها را نیابد سه روز روزه می‌گیرد، این، کفاره‌ی سوگندهای شماس است هنگامی که سوگند یاد می‌کنید و مخالفت می‌نمایید. و سوگندهای خود را حفظ کنید و نشکنید! خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می‌کند، شاید شکر او را بجا آورید! جای بسیار تعجب است که خداوند جل جلاله در اخیر آیه‌ی تلاوت شده این هدایات ربانی خود را به عنوان نشانه‌های قدرتش اعلام می‌کند و این نمونه‌ها را موجب شکرگذاری مؤمنین می‌داند. به متن و محتوای این آیه اگر نظر عمیق انداخته شود می‌بینیم که منظور ذات اقدس الهی جمع کردن گلیم فقر و بردگی از میان جوامع انسانی به وسیله‌ی توزیع غذا و لباس و آزادی بردگان توسط سائر بندگان خداوند جل جلاله به عنوان یک مسأله‌ی آزمایشی است. اما برای جلوگیری از سوگند شکنی آخرین مؤیده را برای کسانی که هیچ چیزی ندارند و از عهده‌ی کفاره‌ی مالی بدر آمده نمی‌توانند گرفتن سه روز روزه را تعیین می‌نماید.

همچنان خداوند جل جلاله مردانی را که با همسرانشان ظهار می‌کنند و بعد از آن نادم و پشیمان می‌شوند نیز به کفاره‌ی ظهار ایشان را محکوم می‌نماید. این مؤیده‌ی حقوقی می‌رساند که در قدم اول: خدای متعال مردان را در مورد همسران شان جداً هشدار می‌دهد تا عزت و حرمت آنها را همیشه نگه دارند و گمان نبرند که هرگونه خواسته باشند با آنها رفتار کرده می‌توانند. در قدم دوم: اگر چنین تخطی از اخلاق زنا شوهری در چهارچوب اسلام صورت گیرد شوهر را محکوم به کیفر آزاد ساختن یک غلام و یا دو ماه پیاپی روزه گرفتن و یا اطعام شصت نفر مسکین می‌سازد. در قدم سوم این مجازات‌ها را حدود خدا جل جلاله اعلام می‌کند که غیر قابل انکار است که چنین می‌فرماید: وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تَوْعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِيَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (مجادله، ۳) ترجمه: کسانی که زنان شان را ظهار می‌کنند، سپس از آنچه گفته اند پشیمان می‌شوند برایشان فرض است پیش از اینکه با یکدیگر هم خوابی کنند، بنده‌ای را آزاد گردانند. این حکمی است که بدان پند داده می‌شوید، و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. و آن کس که بر آزاد کردن بنده دسترسی ندارد، باید پیش از تماس با زن خود دو ماه پی‌درپی روزه بدارد؛ و هرکس که نتواند باید شصت بینوا را خوراک بدهد. این حکم برای آن است که به خدا و فرستاده‌ی او ایمان بیاورید، و این است حدود خدا. و کافران را عذاب پردرد خواهد بود) در مورد قتل خطاً نیز خداوند جل جلاله کفارات مخصوصی را تعیین فرموده است: اول آزاد کردن یک برده‌ی مومن، دوم پرداخت

خون بها به اهل مقتول، سوم اگر قاتل قادر به دو مجازات بالا شده نتوانست دو ماه پی در پی روزه گرفتن است. خداوند جل جلاله در این مورد می‌فرماید: وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (نساء، ۹۲)

ترجمه: هیچ مومنی را نسزد که مؤمن دیگری را بکشد، مگر اینکه این عمل از روی خطا و اشتباه اتفاق افتد. کسی که مؤمنی را به خطا کشت باید برده‌ی مؤمنی را آزاد کند و خون بهائی هم به کسان کشته بپردازد مگر این که آنان در گذرند و اگر مقتول از گروهی باشد که دشمن شما نیستند و خود او مؤمن است، فقط آزاد کردن یک برده‌ی مؤمن بر عهده‌ی قاتل است. و اگر مقتول مؤمن، از گروهی باشد که میان شما و آنان پیمانی برقرار است، باید خون بهایش را به وارثان او پرداخت کند، و نیز یک برده‌ی مؤمن آزاد نماید. و کسی که برده نیافت باید دو ماه پی در پی روزه بگیرد. این حکم به سبب پذیرش توبه‌ی قاتل از سوی خداوند جل جلاله است و خدا همواره دانا و حکیم است) شایان ذکر است که چون قتل کاری بس بزرگ و جبران ناپذیر است در صورت خطا قاتل باید همزمان دو نوع مجازات شود. در قدم اول مجازات اجتماعی یعنی آزاد ساختن یک برده، در قدم دوم مجازات اقتصادی یعنی پرداخت دیه (خون بها) به اهل آن که آنها یک نفر نیروی کار خود را از دست داده و از نظر اقتصادی متضرر شده اند. و در قدم سوم توان این دو نوع کفاره را نداشته باشد باز به گرفتن شصت روز روزه محکوم می‌شود. دیت یک فرد مؤمن (۱۰۰۰) مثقال طلا یا صد شتر، یا دوصد گاو و یا قیمت معادل آن هاست که انسان باید پرداخت نماید. (راشد، ص ۶۱)

اگر به صورت دقیق این همه مدارک توزیع پول، محاسبه و مدیریت شود و به مجموعه‌ای از این کفارات نظر اندازی گردد این جاست که به مقدار زیادی مال و پول در هر سال از این بابت نیز در معرض توزیع در میان فقراء و مستمندان قرار می‌گیرد، که یقیناً بخش بزرگی از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور حل می‌گردد و در تأمین رفاه اقتصادی مسلمانان کمک می‌کند.

نذر

یکی دیگر از راهکارهای توزیع ثروت برای مستمندان نذر است. نذر یکی از سنت‌های عبادی قدیم الایام که در میان امت‌های گذشته نیز معمول بوده و به آن اهمیت بیشتر می‌دادند نذر است. چنانچه خداوند جل جلاله از نذر زن عمران حضرت مریم علیها السلام چنین یادآوری می‌نماید: إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ { آل عمران، ۳۵ ترجمه: چون زن عمران گفت پرودگارا، آنچه در شکم خود دارم نذر تو کردم تا آزاد شده از مشاغل دنیا و پرستش‌گر تو باشد؛ پس از من بپذیر که تو خود شنوای دانایی).

نذر عبارت از نوع صدقه یا عبادت مادی و معنوی است که به مقصود برآورده شدن خواست مشروع نذرگیرنده، تا خداوند جل جلاله در مقابل نذر مورد نظر آرزوی خاص وی را برآورده‌ی خیر سازد. البته ادای نذر پس از وصول آرزوی نذرگیرنده بر وی واجب می‌گردد. بنابر این نذر در اسلام هم به‌عنوان روش نیک به مقصد توزیع داشته‌های مادی و ایفای عبادات الهی امضاء شده است که آیت ذیل بیانگر حقیقت نذر و ایفای الهی امضاء شده است که آیت ذیل بیان‌گر حقیقت نذر و ایفای آن به طور وجوب در قرآن کریم اند: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (البقره، ۲۷۰) ترجمه: هر نفقه‌ای را که انفاق، یا هر نذری را که عهد کرده اید، قطعاً خداوند جل جلاله آن را می‌داند، و برای ستمکاران هیچ یابوری نیست.» نذر نوعی تجارت مادی و معنوی با ذات اقدس الهی است که مؤمنین کامل با توکل بر خداوند جل جلاله عبادتی چون روزه، نماز و یا صدقه ای مثل غذا، لباس، پول و غیره را به امید اجابت در خواست شان از جانب خدای متعال جل جلاله به عهده می‌گیرند. چون خداوند جل جلاله آن آرزوی مشروع را برآورده فرمود، نذر خود را به عنوان یک وحیبه ادا می‌نمایند. و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز پایبندی به نذر را خروج از بخل دانسته و می‌فرماید: «إِنَّ النَّذْرَ لَا يُقَدَّمُ شَيْئًا وَلَا يُؤَخَّرُهُ، وَإِنَّمَا يُسْتَخْرَجُ بِالنَّذْرِ مِنَ الْبَيْخِلِ» (احمد بن حنبل مسند احمد ج ۱۰، ص ۱۹۹) ترجمه: نذر چیزی را از انسان مقدم و مؤخر نمی‌کند بلکه بخل را دور می‌کند. بیشتر مؤمنین اطعام مساکین و یا توزیع پول و کالا را برای مستحقین نیت می‌کنند. زیرا که اکثر انسان‌ها به یکی از مصایب چون مرض، زندان و یا ناکامی‌ها در زندگی، تبعید و یا فقدان خانه، اولاد و غیره نا توانی‌های دیگر مواجه می‌شوند خواه نا خواه کسانی که ایمان به پذیرش نذورات از جانب خداوند جل جلاله دارند بخاطر رسیدن به مقاصد شان نذری را برعهده می‌گیرند. (راشد، ص ۱۰۱)

اگر احصائیه‌گیری کمیت مؤمنین ممکن می‌بود آنگاه به یقین ثابت می‌شد که سالانه میلیون‌ها دالر از این طریق توزیع نیز نثار محتاجان می‌گردید. پس نذورات نحوه دیگری از توزیع در قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم است که نا خواسته و نا گفته مشکل صدها هزار انسان فقیر و مستمند را حل می‌نماید.

نتیجه‌گیری

توزیع ثروت در حقیقت عبارت از تقسیم نمودن سرمایه و دارایی است که افراد یک جامعه به اثر سعی و تلاش بی پایان و با انجام کارهای شاقه و دشوار از منابع طبیعی آن را بدست می‌آورند. توزیع عادلانه‌ی ثروت و دارایی بعد از تولید برای افراد، در واقع یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام بوده و بیشتر مورد توجه و عنایت دین مبین اسلام قرار گرفته، آیات و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در نحوه‌ی توزیع آن به صورت عادلانه نقش مهم و اساسی داشته و به سه گونه توزیع دلالت می‌کند، تولید قبل از توزیع، تولید بعد از توزیع، و توزیع مجدد که توسط دولت و اغنیاء

صورت می‌گیرد.

همان‌گونه که از صراحت آیات و روایات دانسته می‌شود توزیع عادلانه و ایثار گرانه‌ی ثروت و سرمایه در جامعه‌ی اسلامی تحت حاکمیت نظام اسلامی می‌تواند تعادل و توازن اقتصادی و عدالت اجتماعی را تحقق بخشیده و ریشه‌های فقر و ناداری و تفاوت‌های فاحش طبقاتی را محو و نابود سازد.

قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دو نوع شیوه توزیع را برای تقسیم ثروت‌های بدست آمده در نظر گرفته است: در قدم اول نحوه‌ی تکلیفی و یا اجباری هم‌چون زکات و سائر وجیبه‌های مالی، و در قدم دوم نحوه‌ی اختیاری و تشویقی همچون صدقات، انفاق و وقف و غیره. اگر این راهکارها: توزیع پول، کالاها و خدمات در جامعه به صورت همه جانبه و بطور واقعی تطبیق گردد، قطعاً ریشه‌های فقر و نابرابری‌های ظالمانه‌ی اقتصادی در جوامع اسلامی حل می‌گردد چون تا زمانیکه ما انسان‌ها در جامعه‌ی اسلامی به هم نوعان خود یعنی بر فقراء و مستمندان ترحم نداشته باشیم و به آنان کمک و همکاری نکنیم خداوند جل جلاله نیز بر ما رحم نخواهد کرد. زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: من لا یرحم الناس لا یرحم الله. همانگونه که قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سیاست‌های تکلیفی و تشویقی را برای توزیع ثروت و سرمایه پیش بینی نموده است یک سلسله امورات غیر اخلاقی و شرعی از قبیل اسراف و تبذیر و کنز و ادخار اموال را نیز به عنوان عوامل و موانع اختلال توزیع عادلانه معرفی نموده است که آنها بحث جداگانه می‌طلبند.

مآخذ

ابراهیمی، محمد حسین (۱۳۷۵ هـ.ش). *اقتصاد در قرآن*، قم: مرکز نشر انشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

احمد بن حنبل. (۱۴۲۱ هـ.ق). *مسند احمد بن حنبل*، بیروت: لبنان، موسسه الرساله، چاپ اول.
آلبانی، عبدالرحمان (۱۴۲۲ هـ.ق). *مختصر صحیح البخاری*، ریاض، مکتبه المعارف للنشر و التوزیع، چاپ اول.

آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ هـ.ق). *غررالحکم درر الکلم*، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: دارالکتب اسلامیة، چاپ دوم.

بغوی، محمد بن مسعود (۱۴۰۳ هـ.ق). *شرح السنه*، تحقیق: شعیب الارونووط، بیروت المکتبه اسلامیة، چاپ دوم.

بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۱۲ هـ.ق). *معرفة السنن و الآثار*، پاکستان، جامعه‌الدراسات اسلامیة، چاپ اول.

علی، حسینی، (۱۳۹۷ هـ.ق). *مبانی اقتصاد اسلامی*، پژوهشگاه حوزه دانشگاه تهران، سازمان مطالعه

- و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ یازدهم.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۲هـ ق). *الجامع الکبیر للسنن ترمذی*، دارالقریب اسلامی، بیروت، چاپ اول.
- راشد، عبد الباری، (بی تا) *تحلیل و بررسی مسایل اقتصادی اسلامی*، کابل - بنیاد علمی مولانا محمد راشد، چاپ اول.
- راشد، عبدالباری (۱۳۹۷هـ ق). *حرفی از اقتصاد اسلامی*، کابل - افغانستان، عازم، چاپ اول.
- الطبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵). *المعجم الکبیر*، القاهرة، مکتبه ابن تیمیه، چاپ دوم.
- عثمانی، محمد شفیع (۱۳۸۶هـ ق). *تفسیر معارف القرآن*، مترجم: محمد یوسف حسین پور، تربت جام، انتشارات شیخ اسلام احمد جام، چاپ سوم.
- فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۹هـ ش). *کارکرد اقتصادی دین اسلام*، بی جا.
- قائمی، علی. (۱۳۹۲هـ ش) *اسلام و مدرنیسم*، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
- قشیری، مسلم (بی تا) *صحیح المسلم*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- قنادان، محمود (۱۳۸۶هـ ش). *کلیان علم اقتصاد*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- هادی، غفاری (۱۳۸۶هـ ش). *نظام اقتصادی صدر اسلام*، تهران، دانشگاه پیام نور، چاپ اول.
-